

تاریخ ستیزی یعنی ملت ستیزی

دکتر عبدالرفیع حقیقت (رفیع)
مدیر هیات مولفان و مترجمان ایران و انجمن دانش پژوهشان ایران

«هر ملتی که از تاریخ کشور خود آگاهی نداشته باشد ناگزیر اشتباهات گذشته خود را تکرار خواهد کرد» (جوهر لعلنهره)



با آگاهی وسیع تاریخی و سیاسی ممکن نیست و چه بسیار دیده شده زمانی که ملتی در اثر روشن بینی برخی از روشنفکران واقعی و میهن پرست خود از جور و استبداد حاکم در کشور خود به جان آمده است، استعمارگران چاره اندیش طبق برنامه های پیش بینی شده با حربه ی آزادی خواهی و به منظور رهایی مردم آن سامان از قید و بند استبداد با ابزار جدیدی تحت لوای استتار حاکمیت قانون و پارلمان فرمایشی و ایجاد اختلافات مذهبی و حمایت از انشعاب مذهبی و ایجاد مذاهب های ساختگی مانند دوره قاجاریه و غیره) استبداد گروهی محدود را به جای استبداد فردی جایگزین کرده و حربه ی مبارزه، استبداد را در عمل از مردم گرفته اند و از این طریق به اهداف خود در درازمدت بیشتر کمک کرده و مطمئن تر از پیش شده اند و در نتیجه، ریشه ی پوسیده ی فساد را کنده و به جای آن ریشه های فساد نو و مطمئن تری به نام های ظاهر فریبانه، مردم خواهی و حمایت از طبقه محروم و پایینی اجتماع کاشته اند. زیرا همان طور که در تاریخ جنبش سربرداران آمده است:

«تاریخ دفتر ثبت مطالب دورانی است که دوران دیگر قابل یادداشت می داند. تجربیات گذشته تنها در حال قابل تفهیم است. و زمان حال را فقط در پرتو نور گذشته می توان درک کرد».

به قول دکتر سید حسین نصر محقق برجسته معاصر دیگر نمی توان با جهل درباره ی گذشته به سوی آینده رفت، چون گذشته فقط گذشته نیست، بلکه ریشه ی حال و آینده است. به ویژه در مسایلی مربوط به تفکر و معارف و امور سیاسی و اجتماعی

بزرگسالانشان همانند کودکانند». شخص آگاه همیشه تواناست و هر بدبختی و بد سرانجامی که نصیب بشر خواهد شد در اثر ناآگاهی است. و به قول استاد محمدتقی بهار (ملک الشعراء) بزرگترین شاعر متفکر و آگاه معاصر:

پس این قافله جز گردی نیست
بدتر از بی خبری دردی نیست

آگاهی تاریخی یکی از برانزده ترین آگاهی های هر انسان زنده جست و جوگر است و ناآگاه بودن هر فرد یا اجتماعی از حوادث و وقایع تاریخ گذشته خود، غم انگیزترین و فاجعه بارترین حادثه زندگی فردی و اجتماعی خواهد بود و این امر از نادیده گرفتن تجربیات علمی گذشتگان نیز خطرناک تر است. زیرا در اثر نادیده گرفتن یک تجربه علمی یک عده یا گروهی محدود و معدود در زحمت و ناراحتی قرار خواهند گرفت. ولی نادیده انگاشتن تجربیات تاریخی و سیاسی یک قوم یا ملتی را برای همیشه یا لاقط برای مدتی دراز، در ورطه ی سختی و بدبختی خواهد انداخت، به ویژه به با وجود آمدن انواع پدیده های ابداعی استعمارگران حيله گر، متاسفانه آن ملت در جهالت و عقب ماندگی مطلق باقی خواهد ماند.

تردیدی نیست که خنثی کردن و از بین بردن ترندهای سیاسی و فکری استعمارگران کهنه و نو که اهداف استثمارگرانه ی خود را زیر حمایت از مردم و آزادی خواهی و برقراری دموکراسی و غیره به ملت های ناآگاه و عقب نگه داشته شده ارايه و تحمیل می کنند و هر زمان با شکل و شیوه ی خاصی زیر عناوین مختلف به ظهور می رسانند، جز

یکی از خبرهای شگفت انگیز روزهای گذشته در ایران این بود که یعقوب توکلی فرنشین رییس گروه مطالعات تاریخ وزارت آموزش و پرورش به خبرگزاری مهر گفته بود: «در چاپ جدید کتاب های تاریخ در مقاطع راهنمایی و متوسطه رویکردهای فرهنگی و تمدن پرور، جایگزین تاریخ نگاری های سیاسی و نظامی و پادشاهان و جنگ ها می شود و با این رویکرد پادشاهان و جنگجویان نظیر چنگیز خان مغول یا سلطان محمدشاه و پادشاهان دیگری از این دست، از درس ها برداشته می شود».

این گفته، بسیار موجب تعجب و حیرت محققان واقعی تاریخ به ویژه نگارنده گردید و بسیار تاسف خوردم که این اندیشه ی محدود چقدر در سرنوشت آینده ملت ایران تاثیر منفی خواهد گذاشت.

راستی در عالم هستی چه چیزی تابنده تر و بالنده تر از آگاهی است و آگاهی همواره توانایی را به همراه دارد.

چنان که حکیم ابوالقاسم فردوسی بزرگترین حماسه سرای ملی ایران فرموده است:

توانا بود هر که دانا بود

به دانش دل پیر برنا بود

یا

هر که ناموخت از گذشت روزگار

هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار

ارنست روان محقق بزرگ اروپایی می گوید:

«مردم کشوری که تاریخ می دانند کودکانشان مانند بزرگسالانند، و مردم کشوری که تاریخ نمی دانند.

«قادر ساختن بشر به درک جامعه‌ی گذشته و افزایش استیلا‌ی او بر جامعه‌ی کنونی از وظایف دوگانه تاریخ است»

«نقل از تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان»

همیشه باقی خواهد ماند. زیرا اصولاً این ملت نمی‌تواند بمیرد. من هر زمانی که به این ملت می‌اندیشم به فکر آن سنگ خارا می‌افتم که امواج دریا آن را به هر سو می‌غلطانند و به آن ضربت می‌زنند و سرانجام به گوشه و کنار ساحلش می‌افکنند تا باد و باران و آفتاب همه نیروهای خود را برای در هم شکستن آن به کار برند اما با این همه، سنگ خارا همچنان که در اصل وجود داشته، باقی می‌ماند و گذشت زمان و شدت عنصری که به آن حمله‌ور می‌شوند در نابودی آن اثری نخواهند داشت.

سرود درود به ایرانیان
به ایرانیان باد از من درود
که از مهر آنان سرایم سرود
چه مهری که آبخش‌خورش آذر است
چه آذر که هر شعله‌اش گوهر است
از آنان بسی دیده‌ام شاهکار
به دوران تاریخ در هر گذار
به گاه فرود و به گاه فراز
تدابیرشان بوده دشمن‌گذار
جوانان برنا و پیران پاک
بپرورده با چهره‌ی تابناک
به فضل و ادب مردم بی‌خلل
به علم و هنر رهگشای ملل
عیان گشته این نکته در هر زمان
به تصدیق دانشوران بی‌گمان
که ایرانی از جان و دل عاشق است
به دنیای علم و عمل لایق است
ولی با سختی و رنج کار
ز بیگانگان دیده در هر مدار
به آثار ارزنده بی‌شمار
به تاریخ عالم شده ماندگار
قضاوت تاریخ

تاریخ هیچ گاه با هیچ فرد یا گروهی سر دشمنی و یا دوستی ندارد. به همین جهت همواره قضاوت درست خود را بدون هیچ گونه حب و بغض بیان می‌دارد که پس از برطرف شدن ابرهای تیره‌ی تعصب و تحجر و تملق و تسلط قاهرانه‌ی فرمانروایان زمان، نقش واقعی و درخشان آن همچون خورشید تابان برای همیشه آشکار و ماندگار می‌گردد. ▲

امیدوارم تذکر این جانب مورد توجه مسوولان فرهنگی دلسوز و میهن‌دوست قرار گرفته و در تصمیم‌گیری‌های آینده علاوه بر این که آثار مربوط به پادشاهان که خدمت و خیانت آنان می‌تواند عبرت آیندگان باشد در تشریح و توضیح بیشتر آنها در کتاب‌های درسی اقدام کنند.

زیرا همان طور که ژ.بولوس گفته است: «ایران و روح ایران یعنی ویژگی‌های اخلاقی اصلی و دایمی آن از تمام تحولات سیاسی و اجتماعی جاودانه‌تر است. لحظه‌های تاریکی که کم و بیش بر این کشور گذشته است بسیار زودگذر و موقتی بودند، و تغییراتی که این سرزمین به خود دیده فقط با سطح خارجی ویژگی‌های اخلاقی آن برخورد داشته.

کنت دوگو بینو پژوهشگر و سیاستمدار و دانشمند فرانسوی در کتاب خود مربوط به سه سال سفرنامه وی در آسیا (۱۸۵۸-۱۸۵۵ میلادی) درباره تاریخ سیاسی ایران نوشته است: «هجوم‌هایی که به سرزمین ایران شده و پیروزی‌هایی که ملل و اقوام خارجی در این کشور به دست آورده‌اند همواره با ناکامی روبه‌رو شده است زیرا فاتحین خارجی در این سرزمین خیلی زود نیروی خود را از دست می‌دهند و نابود می‌شوند، بدون این که بتوانند به شخصیت و آزادی معنوی ایران آسیبی وارد سازند ممکن است حتی نام آن را از آن بگیرند، ولی ایران



که فوق زمان و تقسیم‌بندی‌های بین گذشته و حال و آینده قرار دارد، آگاهی‌های تاریخی به ویژه تاریخ سیاسی هر کشور عبرت‌نامه هر ملتی است که همراه با افتخارات و گاه مذلت‌های عبرت‌انگیزی است که تحقیق در آن برای هر ملت نتیجه‌بخشی‌های روشنی برای آینده خواهد داشت. افتخارات کوروش کبیر خدمات اجتماعی و ارتباطی و شادی‌آفرینی داریوش کبیر و خدمات فرهنگی نصرین احمد سامانی در ایجاد نظم و نثر دری حتی سهل‌انگاری‌های سلطان محمد خوارزمشاه و شاه سلطان حسین صفوی و فتحعلیشاه قاجار در مقابل مغولان و افغان‌ها و روسیه تزاری و غیره را باید مردم ایران به ویژه جوانان به طور گسترده و آگاهانه بدانند و عبرت بگیرند و عواقب غم‌انگیز این سهل‌انگاری‌ها را نصب‌العین حال و آینده قرار دهند. چه طور می‌توان خدمات اشکانیان را در مبارزه و قیام بر ضد سلوکیان که مدت ۸۰ سال ایران را زیر سلطه سیاسی و اندیشه یونانی اداره می‌کردند نادیده گرفت و مبارزات و دل‌آوری‌های ابومسلم خراسانی و یعقوب لیث صفار، طاهر ذوالیمینین و جلال‌الدین خوارزمشاه را از یاد برد. (چواشک و قیامش به یونانیان - تهی کرد ایران از ز بیگانگان) چه طور می‌توان از پادشاهان سربداران نخستین حکومت شیعه در ایران صرف‌نظر کرد. چه طور می‌توان خدمات اولیه نظامی نادرشاه افشار را از مبارزه با قومی که با عده قلیل ایران را تسخیر کرده بودند به فراموشی سپرد و در تاریخ قهرمانان ملی ایران به علت جنگجویی آنان را حذف کرد که اگر روزی بیگانه‌ای از آنان نام ببرد فرزند دانش‌آموخته ایرانی از آن بی‌اطلاع باشد؟!!

نگارنده در تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان نوشته‌ام: «برخلاف باور و پندار بسیاری تاریخ تنها گزارش جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها و شرح بزرها و حرامسراها نیست. تاریخ با عمیق‌ترین مسایل اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و عقیدتی مردم هر سرزمین ارتباط ناگسستی دارد» سرانجام همان طور که در کتاب قهرمانان ملی ایران نوشته‌ام: «تاریخ مادر علوم انسانی است. هر کس که فراز و نشیب تاریخ کشور خود را نداند از محیط خود بیگانه است و به همین علت اظهارنظر او در امور اجتماعی و سیاسی ناآگاهانه است»

آن که نیاموخت ز تاریخ پند
باز نسنجیده در افتد به بند
در پایان با نقل چند بیت شعر که همواره در آغاز پژوهش‌های خود منعکس می‌کنم،